



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- تنمه: حکم قدمین- ادله حرمت نظر- دلیل سوم و چهارم و بررسی آنها

حکم نظر به تصویر زن

مصادف با: ۲ صفر ۱۴۴۲

جلسه: ۶

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحثی که از مسأله نظر به قدمین باقی مانده، دو دلیل دیگر از ادله قائلین به حرمت نظر به قدمین است. تا اینجا دو دلیل از ادله قائلین به حرمت نظر به قدمین را ذکر کردیم و معلوم شد این دو دلیل نمی‌تواند عدم جواز نظر به قدمین را ثابت کند. یکی عمومات حرمت نظر بود که برخی از آیات و روایات در این زمینه مورد استناد قرار گرفته است؛ دیگری هم برخی روایات که به حسب ظاهر دلالت بر لزوم ستر قدمین می‌کند و با ضمیمه ملازمه عدم جواز نظر با لزوم ستر، می‌خواستند نتیجه بگیرند که پس نظر جایز نیست. این دو دلیل را ما ذکر کردیم و آنها را رد کردیم.

دلیل سوم: سیره متشرعه

اما دلیل سوم، سیره متشرعه است؛ دقیقاً همان چیزی که قائلین به جواز هم به آن استناد کرده‌اند. اینها معتقد هستند سیره متشرعه بر ستر قدمین بوده و در گذشته بنابر برخی گزارشات لباس‌هایی که زنان می‌پوشیدند، به حدی بلند بود که روی پای آنها را می‌پوشاند. روایت سماعة بن مهران که درباره مردی است که لباس‌هایش بلند است و کشیده می‌شود، امام (ع) فرمود: «انی لأکره أن یتشبه بالنساء»؛ معلوم می‌شود که لباس زنان این چنین بوده که حضرت از تشبه به آنها در این نوع لباس منع کرده است. یا مثلاً روایتی که در مورد فاطمه زهرا (س) در جلسه قبل خوانده شد که «کانت تجرّ ادارعها و ذیولها»، این معلوم می‌شود که سیره متشرعه بر این منوال بود که روی پاهای را می‌پوشاندند؛ البته قهراً کف پا هنگام راه رفتن پوشیده است. به هر حال مستدل در مقابل قائل به جواز ادعا می‌کند که سیره متشرعه بر ستر قدمین بوده است.

آن وقت از ستر قدمین که متشرعه خود را ملزم به پوشاندن آن می‌دیدند، نتیجه می‌گیرد عدم جواز نظر را، آن هم به این طریق و بیان که ستر در برابر ناظر اجنبی است والا اگر ناظر اجنبی نباشد، ستر لزومی ندارد؛ معنا ندارد به کسی که در خانه است و فرض هم این است که در حال صلاة نیست بگویند باید پاها و مویت را بپوشانی. بنابراین سیره متشرعه با این ضمیمه دلالت می‌کند بر عدم جواز نظر به قدمین.

بررسی دلیل سوم

پاسخ به این دلیل هم از آنچه که تا به حال در بررسی ادله حرمت نظر به قدمین و آنچه در بیان ادله جواز نظر به قدمین گفتیم، روشن می‌شود.

اولاً: این از نظر صغری محرز نیست. واقع این است که مهم‌ترین نکته‌ای که ما را هدایت می‌کند به اینکه این سیره را نتوانیم بپذیریم این است که اگر لباس‌های زنان به این اندازه بلند بوده که روی پای آنها را می‌پوشانده، واقع این است که این نوع پوشش و لباس مزاحمت جدی دارد با کارهای متعارف زنان، راه رفتن در کوچه و خیابان، اینکه در حین راه رفتن هم مواظب این باشند که این لباس‌ها زیر پا نرود و زمین نخورند، نوعاً بالاخره اینها بچه داشتند، وسیله‌ای در دست داشتند؛ یعنی مجموع این امور را که انسان با هم می‌سند، می‌بیند این یک امر بعیدی به نظر می‌رسد که پوشش‌ها به این حد بلند بوده که روی پاها را می‌پوشانده است. لذا این سیره شاید قابل اعتماد و قابل قبول نباشد.

دلیل چهارم: اجماع

دلیل چهارم، اجماعی است که بر عدم جواز نظر ادعا شده است. می‌گویند این اجماعی و اتفاقی است و همه بر این عقیده‌اند که نظر به قدمین حرام است. آن وقت عبارات و مطالبی که اصحاب در این باره در کتب فقهی ذکر کرده‌اند، اگر مرور شود شاید همه به نوعی این را گفته‌اند؛ البته اینها حرف‌هایی است که مستدل می‌گویند. اما واقع مطلب این است که باید ببینیم قول به اجماع به صراحت در این کلمات آمده یا تلویحاً بیان شده است.

بررسی دلیل چهارم

کسانی که به اجماع استناد کرده‌اند که نظر به قدمین جایز نیست، عمدتاً از این باب حرمت نظر به قدمین را اجماعی دانسته‌اند که در عبارات فقها این محور ذکر شده که «یحرم النظر الی ما عدا الوجه و الکفین من المرأة»، حرام است نگاه کردن به غیر دست‌ها و صورت زن بالا جماع؛ یعنی در تمام عباراتی که ذکر شده، این چنین است. من چند مورد از این عبارات را برای شما می‌خوانم.

۱. محقق ثانی در جامع المقاصد می‌فرماید: «و اما الاجنبیة التي بلغت مبلغاً صارت به مظنة الشهوة و لاجابة الی نظرها فانه یحرم علی البالغ نظر ما عدا وجهها و کفیها اجماعاً». معقد اجماع چیست؟ ما عدا الوجه و الکفین من المرأة. اتفاقاً محقق ثانی از کسانی است که به آیه «ولایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها» تمسک کرده و آنجا ما استفاده کردیم که حداقل ایشان را نمی‌توانیم جزء قائلین به منع قرار دهیم.

۲. شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: «تحريم نظر الرجل الی المرأة الأجنبية فیما عدا الوجه و الکفین اجماعی»، در ماعدای وجه و کفین اجماعی است و می‌گویند «ماعدای الوجه و الکفین» شامل قدمین هم می‌شود. از این باب است که می‌گویند غیر دست و صورت، حرمت نظر دارد. قدمین، ماعدای الوجه و کفین است و عنوان ما عدا الوجه و الکفین شامل آن می‌شود؛ بنابراین مثل سایر اعضای بدن زن، نظر به آن حرام است.

۳. صاحب مدارک می‌فرماید: «لا خلاف بین الاصحاب ظاهراً فی تحريم النظر منها الی ما عدا الوجه و الکفین». باز اینجا به اعتبار اینکه «ما عدا الوجه و الکفین» شامل نظر به قدمین می‌شود، این را هم مشمول حکم حرمت نظر دانسته‌اند.

۴. فخر المحققین در ایضاح می‌فرماید: «کل اجنبیة لا یرید نکاحها و لا حاجة للنظر الیهما یحرم النظر الی ما عدا الوجه و الکفین منها بالا جماع عند علماء الاسلام»؛ نه فقط نزد علمای امامیه بلکه نزد علمای اسلام این چنین است که هر زن نامحرم که البته قصد ازدواج با او ندارد و نیازی به نظر به او ندارد نظر به ما عدا الوجه و الکفین حرام اجماعاً.

۵. محقق سبزواری در کفایة الاحکام می‌گوید: «لا اعلم خلافاً فی تحریم النظر الی المرأة الاجنبیة فیما عدا الوجه و الکفین من غیر ضرورة»؛ این هم همین را می‌فرماید که ما عدا الوجه و الکفین حرمت نظر دارد اجماعاً.

۶. شیخ انصاری می‌فرماید: لا «خلاف فی أنه لا يجوز النظر مطلقاً فی غیر الوجه و الکفین». عبارات زیاد است و من نمی‌خواهم همه آنها را ذکر کنم.

پس اجماعی که ادعا شده، اولاً در هیچ کدام به صراحت عنوان قدمین در معقد اجماع ذکر نشده است؛ فقط از باب شمول ما عدا الوجه و الکفین نسبت به قدمین و اینکه حرمت نظر فی ما عدا الوجه و الکفین اجماعی هستند، آقایان گفته‌اند چون این عنوان شامل قدمین می‌شود، پس معلوم می‌شود این اجماعی است.

۷. صاحب ریاض که عبارت ایشان را قبلاً خواندیم که در روایت مروک بن عبید دلالت بر جواز نظر به وجه و کفین را پذیرفت، اما به اعتبار اینکه آن روایت مشتمل بر قدمین است، می‌گوید «لا یقدح فیہ الا شتمال علی القدمین المجمع علی عدم جواز النظر الیها»، شاید تنها کسی که به نوعی به تصریح مسأله اجماع بر حرمت نظر به قدمین را ذکر کرده، صاحب ریاض است؛ شاید در عبارات شیخ انصاری هم به نوعی این مسأله باشد که وقتی درباره روایت مروک بن عبید بحث می‌کند، می‌گوید این روایت به جهت اشتمال بر یک حکم خلاف اجماع قابل قبول نیست. یا رأساً حتی حکم جواز را از این روایت نسبت به وجه و کفین هم استفاده نمی‌کنند، یا اینکه به طریقی ذیل را کنار می‌گذارند - یعنی جواز نظر به قدمین را کنار می‌گذارند - و به حکم جواز نظر به وجه و کفین استناد می‌کنند. اما به هر حال در عباراتی که ملاحظه فرمودید مسأله حرمت نظر را ذکر کرده‌اند، نوعاً این چنین آورده‌اند که «بحرم النظر الی ما عدا الوجه و الکفین من المرأة الاجنبیة». در مقام بررسی روایت مروک بن عبید هم اشاره به این کرده‌اند که این روایت قابلیت استدلال ندارد یا بالجمله یا فی الجمله، یا تماماً یا بعضاً؛ به جهت اینکه مشتمل بر یک حکم خلاف اجماع است.

لذا همان‌طور که قبلاً عرض شد، می‌توانیم بگوییم یک شهرت قوی بر حرمت نظر به قدمین وجود دارد. اما اینکه اجماع باشد، آن هم اجماع محصل و قطعی به نحوی که بتوانیم رأی معصوم (ع) را از این اجماع کشف کنیم، این قابل اثبات نیست. اجماع منقول لا اعتبار به؛ اما اجماع محصل و قطعی بر اینکه نظر به قدمین جایز نیست، این قابل اثبات نیست. یا از این باب که اصلاً در بسیاری از کلمات تعرض به این مطلب صورت نگرفته است؛ عمدتاً وجه و کفین را گفته‌اند و اینکه ما عدا الوجه و الکفین حرام است، اما اینکه واقعاً نسبت به تعمیم حکم به قدمین هم توجه و عنایت داشتند، این خیلی روشن نیست. لعل عدم ذکر قدمین از دید برخی از این باب است که آن هم ملحق به وجه و کفین است؛ چنانچه عده بسیار کمی به این الحاق به نوعی تصریح کرده‌اند. لذا واقع مطلب این است که زمانی که کلمات مدعیان اجماع و هم برخی از کسانی که گمان شده که آنان جزء مجمعین هستند و نحوه بیان آنها بررسی می‌شود، می‌توانیم بگوییم که این اجماع محرز نیست. وقتی به سخن کسانی که به آیه «ولایبدین زینتهن الا ما ظهر منها» استدلال کرده‌اند مراجعه می‌کنیم، بعید نیست که بگوییم این استدلال خودش تلویحاً نشان‌دهنده الحاق قدمین به وجه و کفین است؛ چون مآظهر منها حتماً یکی از مصادیقش روی پاها هستند.

نتیجه کلی بحث درباره نظر به قدمین

بنابراین ادله منع و حرمت نظر به قدمین، به نظر ما تمام نیست. ادله جواز هر چند برخی مبتلا به اشکال است اما برخی از آنها قابل پذیرش است. و بعضی از آنها می‌تواند اثبات جواز نظر به قدمین کند.

لذا همان‌طور که گفتیم، الجواز لایخلو عن قرب. البته احوط آن است که اجتناب شود از نظر به قدمین. هذا تمام الکلام فی حکم النظر الی القدمین.

حکم نظر به تصویر زن

اما یک مسأله‌ای که به دنبال این بحث مطرح می‌شود و البته در متن تحریر هم ذکر نشده و متعرض آن نشده‌اند، حکم نظر به تصویر المرأة است. تا اینجا بحث از نظر به خود مرأه بود؛ حالا جسد المرأة از سر تا پا که مستثنیاتی دارد و برخی از مستثنیاتی را بعداً می‌گوییم. اما آنچه که تا اینجا گفتیم، اجمالاً اینکه نظر به وجه و کفین جایز است اما نگاه کردن به سایر اعضای بدن زن جایز نیست. الان بحث در تصویر المرأة است؛ تصویر که می‌گوییم یک معنای عامی دارد. تارة تصویر ثابت است و به اصطلاح عکس است، و اخری متحرک است که همان فیلم است؛ فیلم در حقیقت مجموعه‌ای از تصاویر است که پشت سر هم وقتی قرار می‌گیرد، متحرک می‌شود. حکم نظر به تصویر المرأة چیست؟ وقتی می‌گوییم تصویر المرأة، یعنی همان‌طور که نظر به عین جسد مرأه جایز نبود، نظر به تصویر هم جایز نیست یا اینکه فرق می‌کند بین تصویر و بدن و جسد. گاهی این تصویر، تصویر نزدیک به آن مرأه است، مثل آنجایی که نقاشی کشیده می‌شود؛ یک نقاشی از یک مدل یا یک شخصی توسط کسی کشیده می‌شود. این فرق می‌کند تا تصویری که امروزه از اشخاص می‌گیرند. اینها مسائلی است که بخشی از آن جدید است و بخشی از آن از گذشته مطرح بوده است.

نظر به تصویر زن در آب؛ گاهی یک کسی کنار آب که می‌ایستد، تصویرش داخل آب می‌افتد، مخصوصاً اگر نور مهیا باشد و بادی نوزد که سطح آب تکان نخورد. این خودش بهترین منعکس‌کننده هر تصویری است و مثل آینه است. گاهی تصویر یک زن در آینه منعکس می‌شود؛ آنچه که شما در آینه می‌بینید تصویر آن زن است و نه خود او. گاهی تصویر با واسطه این ابزار است؛ یعنی تصویر است و اطلاق تصویر بر آن می‌شود و هیچ مشکلی هم ندارد. تصویر زن در فیلم، تصویر زن در عکس، یعنی عکس و فیلم او، نقاشی زن که یک قرابت و شباهتی دارد و یا ممکن است آنقدر زیبا نقاشی کنند که عین همان چهره واقعی باشد. تصویر در آب. اینها هر کدام جهاتی دارد؛ مثلاً در نظر به تصویر زن در آب، بعضی‌ها می‌گویند اشکال ندارد و برخی دیگر می‌گویند اشکال دارد. یکی از استدلال‌هایی که ذکر کرده‌اند، این است که چون آنجا تصویر کمی مبهم می‌شود و با خودش فرق دارد، مثلاً ممکن است بگوییم اشکالی ندارد. حالا ریشه و مصب این نزاع‌ها را عرض خواهم کرد که اصلاً ریشه این نزاع که آیا جایز است یا نه، چیست و آیا مربوط به یک برداشت عرفی از همان ادله نظر است یا دلیل دیگری داریم. اینها مسائلی است که مهم است و برخی از آنها به شدت مبتلا به هستند.

همچنین نظر با دوربین - دروین‌های خیلی قوی که از فاصله دور چهره را نزدیک می‌کند - نظر به خود مرأه است یا نظر به تصویر المرأة؛ این به نوعی با تصویر در آب و آینه فرق می‌کند. یا نظر من واره الزجاج؛ مثلاً یک خانمی وراء شیشه است و شخصی از این طرف نگاه می‌کند. آیا این نظر به مرأه صدق می‌کند؟ آیا نظر به خود مرأه است یا نظر به تصویر مرأه است؟ آیا این جایز است یا نه؟ همه اینها در واقع در محدوده بحث ما قرار می‌گیرد. ما تا حالا هر چه بحث کردیم، النظر الی نفس

المرأة بود، یعنی مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای شعرش، دستش، بازوانش، پا، اینها محل بحث بود. نتیجه این شد که نظر با لذت و ریه و بدون لذت و ریه به مرأه جایز نیست مطلقاً؛ اما نظر با ریه و لذت به وجه و کفین جایز نیست، ولی نظر بدون لذت و ریه به وجه و کفین و قدمین، البته در صورتی که این نظر آلی و ابزاری باشد و نه استقلال، این جایز است. با همه این بحث‌هایی که داشتیم و ادله‌ای که ذکر کردیم و بررسی‌های طولانی که داشتیم، آیا هر چیزی که غیر عین المرأه باشد، یا تصویرش باشد اعم از متحرک و ثابت و نقاشی، یا در آینه یا در آب، اینها همه تصویر است.

سؤال: ...

استاد: تصویر ذهنی، خیال است. این دیگر عنوان نظر و رؤیت نیست. اتفاقاً به دلیل همان تأثیراتی که رؤیت و نظر دارد، بعضاً منع می‌کنند زیرا این تصاویر در ذهن نقش می‌بندد و آن وقت منشأ یک سری تخیلات و خیالاتی می‌شود که فساد به دنبالش می‌آید.

پس بحث در تصویر است که یک دامنه وسیعی دارد و نیز النظر الی المرأه از وراء شیشه یا از وراء دوربین‌هایی که چهره را نزدیک می‌کند، اینها موضوع بحث ماست. باید ببینیم ادله چیست، آیا جایز است یا نه، نزاع و اختلاف بر چه محوری است؛ اینها مطالبی است که در جلسات آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»